

**نویسنده:** پیپی ایسکوبار (Pepe Escobar).  
**منبع و تاریخ نشر:** کریدل «2025-06-30».  
**برگردان:** پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل».

## ده وزیر دفاع در چین وارد اتاقی می‌شوند...

*Ten defense ministers walk into a room in  
China...*

سازمان همکاری شانگهای می‌تواند کاری را انجام دهد که ناتو نمی‌تواند: خنثی کردن خصومت‌ها با فراهم کردن «امنیت غیرقابل تقسیم» برای کشورهای عضو اوراسیا و در سراسر جهان چندقطب

*The SCO can do what NATO cannot: defuse hostilities by providing 'indivisible security' to its Eurasian member states and across the multipolar world.*



**عکاسی توسط کریدل**

وزرای دفاع هر «10» عضو سازمان همکاری شانگهای (SCO) هفته گذشته در چینگدائو، در استان شاندونگ چین، دیدار کردند.

این، به خودی خود، همان چیزی است که این درام از آن ساخته شده است. نه تنها به این دلیل که این دیدار، مقدمه ای برای اجلاس سالانه اصلی SCO که در اواخر امسال در تیانجین با حضور سران کشورها بود. بلکه بیشتر به این دلیل که ما در همان میز، اعضای ارشد بریکس، روسیه، چین، هند و ایران، به علاوه پاکستان را داشتیم؛ وزیر دفاع هند برای اولین بار در پنج سال گذشته به چین سفر کرد و پس از آخرین تبادل آتش جدی آنها، با همتای پاکستانی خود روبرو شد؛ و وزیر ایران بلافاصله پس از آتش بس اسرائیل و ایران که توسط رئیس جمهور ایالات متحده ترتیب داده شده بود، از نزدیک با پکن مشورت کرد.

اگر این به اندازه کافی جذاب نبود، جلسه SCO در چینگدائو تقریباً همزمان با اجلاس ناتو در لاهه برگزار شد

خواجه محمد آصف، وزیر دفاع پاکستان، به اصل مطلب پرداخت و اظهار داشت که چگونه، برخلاف ناتو، SCO می تواند «صلح بیشتری را در این منطقه» ایجاد کند. دونگ جون، وزیر دفاع چین، تأکید کرد که SCO نقش «انگراه ثبات بخش» را ایفا می کند.

غرب چند پاره (به لطف دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا) هیچ ایده ای از ماهیت سازمان همکاری شانگهای ندارد. این سازمان یک سازمان چندجانبه ۲۵ ساله است که چند ماه قبل از ۱۱ سپتامبر تأسیس شد و شامل ۱۰ کشور عضو کامل، دو کشور ناظر و ۱۴ شریک گفتگو است: تقریباً نیمی از جمعیت جهان، از اروپای شرقی (مجارستان) گرفته تا اقیانوس هند و حاشیه اقیانوس آرام.

سازمان همکاری شانگهای یک ناتوی آسیایی نیست - مانند یک اتحاد نظامی تهاجمی - و نمی خواهد هم باشد؛ بلکه، در یک فرمول بندی اساساً چینی، ترجیح می دهد خود را به عنوان یک «گشتی غول پیکر امنیتی» معرفی کند.

سازمان همکاری شانگهای که در ابتدا برای مبارزه با آنچه چینی ها «سه شر» - تروریسم، جدایی طلبی و افراط گرایی - تعریف می کنند، مفهوم سازی شده بود، به طور جدی به یک مکانیسم همکاری اقتصادی تبدیل شده است. برای مثال، آخرین میزگرد آن در مجمع اقتصادی سن پترزبورگ، کمتر از دو هفته پیش، به میزبانی نورلان یرمکبایف، دبیرکل سازمان همکاری شانگهای، با مدیریت سرگئی کاتیرین، رئیس بسیار باتجربه اتاق بازرگانی و صنایع روسیه، برگزار شد و بر چالش های ایجاد یک زیرساخت مشترک لجستیکی، مالی و انرژی سازمان همکاری شانگهای تمرکز داشت.

این میزگرد که توسط الکسی گرومیکو، مدیر موسسه اروپا در آکادمی علوم روسیه و با سخنرانی اصلی سرگئی گلایزف، دبیر دولت اتحادیه (روسیه-بلاروس)، اداره می شد، سازمان همکاری شانگهای را با اتحادیه اقتصادی اوراسیا (EAEU) در هم تنید و در مورد نقشی که فضای پس از شوروی در اقتصاد چند قطبی نوظهور با یدایفا کند، بحث کرد.

بنابر این، سازمان همکاری شانگهای امروزه نه تنها رزمایش‌های مشترک ضد تروریسم و اشتراک‌گذاری اطلاعات، بلکه همکاری اقتصادی متناسب با انتظارات فرهنگی تمدن‌های مختلف را نیز ترویج می‌دهد. این سازمان بنا به تعریف اش، یک ارگانیزم چند قطبی است

## شرکای استراتژیک روسیه و چین به میدان می‌آیند

اصل ماجرا در چینگدائو باید در حول چیزی می‌چرخید که می‌توان آن را مثلث پریماکوف نامید - اشاره ای به یوگنی پریماکوف، نخست‌وزیر سابق روسیه که یک قدرت مستقل روسی پس از شوروی را در یک نظم چندقطبی جدید تصور می‌کرد. امروز، ما آن پیشگویی را در یک "RIC" متشکل از روسیه، ایران و چین و نه هند می‌بینیم: این سه کشور مستقل متمدن، در حال حاضر، سه بازیگر اصلی در پیشبرد فرآیند پیچیده ادغام اوراسیا هستند.

آندری بلوسوف، وزیر دفاع روسیه، به طور خصوصی با دونگ جون، وزیر دفاع چین و همچنین با عزیز نظیرزاده، وزیر دفاع ایران، دیدار کرد. بلوسوف در میز SCO، سخنان خود را کوتاه نکرد.

او گفت که حملات ایالات متحده و اسرائیل به ایران، منشور سازمان ملل و قوانین بین‌المللی را نقض می‌کند. او تأیید کرد که مسکو پیشنهاد میانجیگری برای کاهش تنش را داده است. و دوباره تأکید کرد که "نقش نهادهای بین‌المللی که برای تضمین ثبات جهانی طراحی شده‌اند، به سطح غیرقابل قبولی کاهش یافته است."

بلوسوف همچنین بر مهمترین درس هر 10 وزیر تأکید کرد: اینکه «ایدئولوژی‌های تروریستی» و «انتقال شبه‌نظامیان» همچنان از غرب آسیا به افغانستان گسترش می‌یابد.

در مورد اوکراین، بلوسوف کاملاً قابل پیش‌بینی بود؛ روسیه به طور پیوسته در حال پیشرفت است و کیف در حالی که به نابودی فکر می‌کند، به «تاکتیک‌های تروریستی» متوسل می‌شود. هیچ یک از بازیگران میز SCO خواب مخالفت با او را نمی‌دیدند.

پس، هند در میان این همه اقدام کجا بود؟ خب، در حال اصلاح لیست خرید خود است. وزیر دفاع، راجنات سینگ، شخصاً از بلوسوف درخواست ارتقاء فوری Su-30MKI و تحویل بسیار سریع‌تر S-400 Triumph باقی مانده را کرد. اینها بخشی از یک قرارداد سنگین 5.43 میلیارد دلاری هستند؛ سه واحد تحویل داده شده است و دو واحد بعدی تا اوایل سال 2026 خواهند رسید.

این S-400 ها در طول عملیات سیندور - جنگ کوچک هند علیه پاکستان - نقش مهمی داشتند. بلافاصله پس از «آتش‌بس» ترامپ بین اسرائیل و ایران، تهران برای بررسی

گزینه‌های خرید دسته‌ای قابل توجه (حداقل ۴۰ فروند) از جنگنده‌های چینی J-10CE (نسخه صادراتی J-10C) به پکن مراجعه کرد. ضمناً، این مذاکرات حداقل ۱۰ سال است که ادامه دارد.

از دیدگاه ایران، از نظر هزینه پایین و در دسترس بودن، J-10C ممکن است گزینه بهتری نسبت به MiG-35 و Su-35E روسی (نسخه صادراتی Su-35S) باشد. اما مهم است به یاد داشته باشید که Su-35 و J-10C دو کلاس مختلف از جنگنده‌های جت را نشان می‌دهند. هیچ چیز مانع از خرید هر دو توسط سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران نمی‌شود - نمونه‌ای از همکاری‌های استراتژیک متقابل.

منابع دیپلماتیک تأیید می‌کنند که ایران در حال حاضر Su-35 دارد. مشخص نیست چند فروند، اما مطمئناً بیش از دو فروند. روسیه کاملاً آماده فروش تا دو اسکادران است. هر اسکادران ۱۲ فروند خواهد داشت، بنابراین در مجموع ۲۴ جت. اجماع در مسکو این است که ایران خرید همزمان جنگنده‌های برتر روسی و چینی را افزایش خواهد داد. و مطمئناً پدافند هوایی، مانند سامانه‌های S-400 روسی. ماجرای که در دو هفته گذشته آشکار شد، فراتر از بحث‌های مصنوعی و سطحی در مورد اینکه آیا تهران از متحدان نزدیک و استراتژیک روسی-چینی خود کمک نگرفته است، است.

در حالی که سپاه پاسداران انقلاب اسلامی پس از درس‌های دردناک جنگ ۱۲ روزه اسرائیل، این جنگنده‌ها را می‌خواهد، بیش از همه به تنظیم دقیق دستگاه ضد اطلاعات و شورش داخلی خود نیاز دارد. بخش قابل توجهی از مجازاتی که ایران متحمل شد، از سوی خرابکاران داخلی بود که پهباد پرتاب کردند، بمب کاشتند و اهداف با ارزش بالا را برای قتل بررسی کردند.

## ما خواهان جنگ علیه روسیه و چین هستیم

حالا همه این تعاملات اوراسیا در چینگدائو را با آنچه در لاهه اتفاق افتاد مقایسه کنید. اساساً، پس از اینکه اتحادیه اروپا توسط دبیرکل مخوف ناتو، مارک روتیه، با لقب «سلام بابا»، مورد باج‌گیری قرار گرفت، تصمیم گرفت مبلغ هنگفت ۶۵۰ میلیارد یورو (تقریباً ۶۹۵/۵ میلیارد دلار) از بودجه‌ای را که ندارد، برای خرید سلاح‌های آمریکایی جهت اعلام جنگ علیه روسیه - و بعداً چین - اختصاص دهد. این ما را به کابوکی پنج درصدی می‌رساند. برای اینکه هر عضو ناتو پنج درصد هزینه کند

این ما را به کابوکی پنج درصدی می‌رساند. برای اینکه هر عضو ناتو پنج درصد را صرف حمله کند، در حالی که بدهی ترکیبی آنها از ۸۰ درصد تولید ناخالص داخلی فراتر رفته است، باید تقریباً ۳۲۵ میلیارد یورو (تقریباً ۳۸۱.۲ میلیارد دلار) را که در سال ۲۰۲۴ برای تسلیحات هزینه کرده بودند، سه برابر کنند و به این ترتیب به نزدیک به یک تریلیون یورو برسند.

شهروندان اتحادیه اروپا که عقل داشته باشند، می‌توانند به راحتی محاسبه کنند: یک موج بی‌وقفه از "کاهش هزینه‌ها"، افزایش مالیات و ناپدید شدن مزایای اجتماعی برای تأمین مالی تسلیحاتی شدن وجود خواهد داشت. و دزدیدن 300 میلیارد یورو (تقریباً 351.75 دلار) از دارایی‌های روسیه کمکی نخواهد کرد، زیرا این حتی افزایش یک ساله را نیز پوشش نمی‌دهد.

همه وزرای حاضر در میز SCO در چینگدائو می‌دانستند که ناتو در جنگ با روسیه است و چین حتی به عنوان یک طرح کثیف مونتئو پائینون نیز واجد شرایط نیست. روسیه در حال حاضر ۱۳۰۰۰ موشک دارد و این تعداد در حال افزایش است و به زودی قادر خواهد بود تا سالانه ۳۰۰ موشک اورشونیک مافوق صوت تولید کند - بیش از اندازه‌ای که برای فلج کردن هر بندر و فرودگاهی در اروپا کافی است.

مشاهده‌ی واکنش فوری ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، به آنچه در سازمان همکاری‌های شانگهای در چینگدائو مورد بحث قرار گرفت، بسیار جالب بود. به عنوان مثال، می‌توان به مجمع اتحادیه اقتصادی اوراسیا (EAEU) در مینسک اشاره کرد که در آن پوتین گفت: «خوشبختانه، وضعیت در خاورمیانه در حال تثبیت است. درگیری طولانی مدت بین اسرائیل و ایران، به لطف خدا، اکنون پشت سر ما است.»

یا شاید نه، اگر اظهارات مقامات اسرائیلی ملاک باشد. با این حال، برای رئیس‌جمهور روسیه، آنچه همیشه بیشترین اهمیت را دارد، ژئواکونومیک است. در این مجمع، پوتین بر توافقات ترجیحی اتحادیه اقتصادی اوراسیا با ویتنام، سنگاپور و صربستان، به علاوه توافق قریب‌الوقوع با امارات متحده عربی تأکید کرد و گفت: «روابط سودمند متقابل با کشورهای سراسر اوراسیا، آفریقا و آمریکای لاتین به طور فعال در حال پیشرفت است.» گذشته از همکاری‌های بیشتر با کشورهای عضو بریکس، کشورهای مستقل مشترک‌المنافع (CIS)، آسه‌آن، اتحادیه آفریقا و البته سازمان همکاری‌های شانگهای.

و درست زمانی که وزرا داشتند چینگدائو را ترک می‌کردند، رسماً تأیید شد: ایران سیستم GPS آمریکایی را کنار گذاشت و به جای آن از سیستم Beidou چین استفاده کرد. صحبت از یک حرکت جسورانه و سریع در صفحه شطرنج جنگ فناوری است. قدم بعدی: ربودن تمام آن جنگنده‌های Su-35 و JC-10CE است.

----- **با تقدیم احترامات «04-07-2025»** -----  
.....